

# اَيْضًا حُ الْمِقَاصِدُ

من حكمة

## عين القواعد

يا  
«شرح حكمة العين»

شرح از :

علامه علی

۶۴۸-۷۲۶ ق

متن از :

دیرین کاتبی قزوینی

۶۰۰-۶۷۵ ق

پیشگفتار و پاورقی و تصحیح از

علینقی منزوی

براهنمائی و دوشش

سید محمد مشکوة

۱۳۷۸ ق - ۱۳۴۷ ش ۱۹۵۹ م

چاپخانه دانفعاہ

## بسمه تعالی

دوست جلیل بزرگوار ما جناب آقای محمود  
والانژاد ایده‌الله‌لما یحب ویرضی که از نیکوکاران  
بنام و همواره در کارهای خیر موفق‌اند متخارج  
چاپ و نشر این کتاب شریف را از کیسهٔ فتوت خود  
پرداخته‌اند. از خداوند مسئلت می‌کنیم که ایشان را  
توفیق انجام دادن خدمات بزرگتری مرحمت فرماید.

## پیشگفتار

از سالهای ۱۳۲۳ ش. بيمد که در تهران با اتفاق آقای شیخ محمد علی طالقانی (عبادی) در خدمت استاد مشكاة فلسفه قدیم را تلمذ می‌کردم، هنوز در قم و نجف تعلم فلسفه محکوم و متعلمین آن مطرود بودند. هر چند گاه در جمع ما صحبت از آن میشد که از چه راه میتوان این عادت ناپسند را از میان برداشت، و با چه وسیله میتوان دانشجویان علوم دینی را با فلسفه آشنا نمود، و راهی برای کتب فلسفی بدان مجامع باز کرد. و همگی بهترین راه را در طبع و نشر کتب فلسفی، از تالیفات رجال بزرگ دین می‌یافتند. و چون علامه حلی در میان علمای بزرگ مذهب شیعه، کسی است که هیچ فرد روحانی نمیتواند در علم و تقوای وی تردید کند، و کتب کلامی وی مانند شرح تجرید، همیشه مورد بحث و تدریس روحانیون بوده است. نظر جمع بر این بود که اگر تالیفی فلسفی از این دانشمندان منتشر شود، مطالعه آن میتواند طلاب علوم دینی را بتفکر وادار کند و ایشانرا بمطالعه کتب دیگر و از جمله تاریخ فلسفه بکشاند.

این موضوع در ذهن من باقی ماند تا روزی استاد فرمود کتابی از علامه حلی یافته‌ام که نسخه آن منحصر بفرد است، و گرچه فلسفه اشراق نیست اما کلام محض نیز نمیتواند باشد. علامه در این کتاب فلسفه مشاء را با شمس کلامی بیان کرده است، و آنرا در اختیار اینجانب قرار دادند، و بدین طریق اینجانب را در تهیه وسائل طبع آن تشویق فرمودند. البته امروز وضع روحانیون قم و نجف با آنروز فرق بسیار دارد و در اکثر کشورهای اسلامی خوشبختانه پس از جنگ بین المللی دوم تحصیل علوم فلسفی مورد توجه خاص روحانیون قرار گرفته و از آن تاریخ کتب فلسفی بصورت بی سابقه‌ای بزبان عربی ترجمه و منتشر گردید، و این کتب که بزبان مذهبی عربی، زبان علمی قم و نجف منتشر میشود، مورد استفاده روحانیون مآقرار گرفته، و از آن پس، اندک اندک کتب فلسفی بصورت آزادتر درین محافل تدریس میگردد، و کتبی نیز در فلسفه جدید و تاریخ فلسفه بزبان فارسی در آن محافل منتشر گردیده است. معذک شك نیست که تاریخ فلسفه دوران اسلامی هنوز یکی از مباحث دست نخورده محسوب میگردد. چون

هنوز متون فلسفی بسیار هست که چاپ نشده، و نسخ آن در دسترس همگان قرار نگرفته است، تا بتوان تاریخ سیر و تحول افکار فلسفی را در اسلام مورد مطالعه قرار داد. ویکی از بهترین کتبی که سزاوار طبع و نشر بود همین کتاب است، که آراء دو استاد فلسفه در سده هفتم و هشتم را در بردارد، و اینک در دسترس دانشجویان علوم معقول و فلسفه قرار میگیرد.

اینک در این پیشگفتار مطالب زیر را می بینید:

- I - اندکی در شناسائی نگارنده متن کتاب؛ دبیران کاتبی قزوینی.
- II - شناسائی شارح؛ علامه حلی، و کتب فلسفی وی.
- III - کارهایی که درباره کتاب «حکمة العین» کاتبی انجام شده است.
- IV - شناسائی این نسخه و نسخه‌هایی که در تصحیح آن مورد استفاده قرار گرفته است.

نگارنده متن؛ دبیران کاتبی قزوینی:

علی بسر عمر بسر علی (یا محمد ۱) ملقب به نجم الدین، و مکنی به ابوالحسن و ابوالعالی ۲ و مشهور به دبیران قزوینی و کاتبی قزوینی (ز. ۶۰۰م ۶۷۵ق) ۳، معاصر و شاگرد خواجه طوسی (م ۶۷۲ق) و استاد علامه حلی (م ۷۲۶ق) میباشد. استادش خواجه طوسی، در پاسخی که به پرسش وی نگاشته است، او را چنین میستاید: «مولانا الامام نجم الملة والدين علامة العصر، أفضل العالم، علی الکاتب (چنین) القزوينی ادام الله فضاله...» ۴ و شاگردش علامه حلی، در اجازتی که برای ابن زهره علی بن ابراهیم حلبی نگاشت او را چنین ستود:

«وشیخنا السعيد نجم الدين علی بن عمر الکاتبی القزوينی ويعرف بدبیران. کان من فضلاء العصر واعلمهم بالمنطق، وله تصانیف كثيرة. قرأت عليه شرح الکشف...» ۵

۱- نام جد دبیران در تاریخ گزیده ص ۵۸۱ و حبیب، السیرج. خیام ج ۳ ص ۱۰۷ و فوات الوفيات ۲: ۶۶ و رضات ص ۶۱۰ و به خط خودش که در صفحه ۳ از این دیده میشود؛ علی است. اما در هدیه العارفين ۱: ۷۱۳ محمد است. نام پدرش در همه جا عمر است و در کشف الظنون محمد دیده میشود. آداب اللغة جرجی زیدان ۳: ۲۵۰ نیز دیده شود.

۲- کنیت ابوالعالی در روضات و ابوالحسن در آنجا و هدیه العارفين دیده میشود.

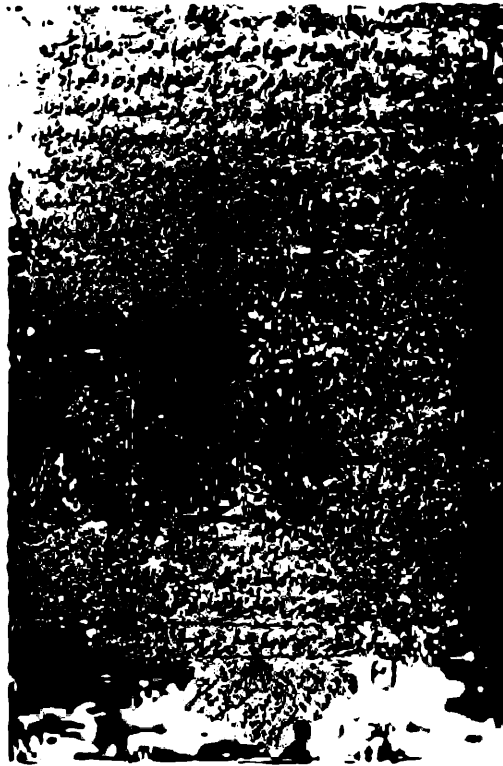
۳- مرگ او راهمه در ۶۷۵ نوشته اند و زایجه او را در هدیه العارفين ۱: ۶۰ آورده است.

۴- نسخه چاپ شده در مطارحات فلسفه ج. آل یاسین. ص ۱۸.

۵- اجازات بحار الانوار. ج ۲۵ ص ۲۲. و گویا کشف الاسرار خنجی را خواسته است.

ص ۷ دیده شود.

کاتبی در قزوین مجلس درس داشت، تا آنکه خواجه طوسی در ۶۵۰ق. او را برای شرکت در کار رصد به راه دغوت نمود، پس بدانجا شناخت.



یک نمونه از خط دیوران کاتبی قزوینی. منبسطه پایان نسخه «اصلاح الاستقصات» اهری است، که در کتابخانه چستر بیٹی Chester Beatty library در لندن موجود است. گراور از فهرست آن کتابخانه چ. د. دبلن ۱۹۵۶ م. شماره ۵۴.

### برخی از استادان کاتبی:

۱- خواجه نصیرالدین طوسی م ۶۷۲ ق. وی کاتبی را بدربار مغل نزدیک کرد و او را در ساختمان ورهبری رصدخانه مراغه شرکت داده است.

- سمرقندی شمس‌الدین محمد بن اشرف . نگارنده القسطاس، در منطق که که خود آنرا برای عمادالدوله زکی بن ابراهیم ابن صاحب جمال‌الدین محمد مؤمن شرح کرده است . کاتبی در منطق پیرو این استاد بوده است. (پیشگفتار دانش پژوه بر تبصرة سهلان ساوی ص ۱۴).

- انیرالدین ابهری م ۶۶۳ ق: کاتبی در «حکمة العین» - ص ۲۴۵، وی را صریحاً بعنوان استاد خویش یاد کرده و در (ص ۲۷۹) او را بعبارت: «هكذا ذكره الاستاذ» یاد کرده و نامی از وی نیاورده است، و میرک بخاری در شرح خویش آنرا تفسیر کرده است. دیران در کتاب حاضر از مؤید‌الدین عرضی دمشقی بعنوان بعضی المهندسين یاد کرده و میرک بخاری در شرح آنرا تفسیر کرده است . ص ۳۳۷ دیده شود .

### آثار دیران :

- اثبات الواجب ۱ و شبهات کاتبی بر آن .

- بحر الفوائد . شرح مزجی است بر «عین القواعد» خودش ۲ .

۱- این رساله در دفتر بنام «مطارحات فلسفیه» ص ۲-۱۵ بوسیله محمد حسن آل یاسین در بغداد ۱۹۵۶ م چاپ شده است . نسخه رضوی ۲۹۷ (فهرست ۴: ۳) و دانشگاه ش ۸۶۳ (فهرست ۳: ۱۲۲) .

۲- نسخه مدرسه محمدیه موصل (مخطوطات الموصل - ص ۱۸۴) . و دانشگاه تهران شماره ۱۹۲۶ ولین و اسکوریال (بروکلمن).

آغاز : اما بعد حمد الله والثناء علیه بما هو امله ومستحقه والصلاة علی رسوله محمد خاتم النبیین وآله الطاهرين . فان جماعة من العلماء الکبار الذین شارکتهم فی البحث ادام الله فضایلهم التمسوا منی املاء کتاب فی المنطق علی وجه الايضاح والبيان ... علی ترتیب الرسالة التي کتبناها فی هذا الفن وسمیناها بعین القواعد، لیكون کالشرح لها، اذ فی الفاظ تلك الرسالة نوع انغلاق وتصعب... وسميته «بحر الفوائد» فی شرح...

- بعض الابحاث ۱ .
- جامع الدقایق فی کشف الحقایق ۲ در منطق.
- شرح بره کشف الاسرار، تألیف خنجی (۵۹۰-۶۴۶ق) (کشف الظنون) ۳
- حکمة العین. (جای گفتگو).
- شمسیه. مختصریست در منطق که قطب‌الدین رازی و افتخازانی و جز ایشان آنرا گزارش نمکاشته‌اند، و چندین بار چاپ شده است.
- عین القواعد. در منطق ۴ . بترتیب شمسیه و بزرگتر از آن است.

۱- نسخه احمدیه موصل (فهرست مخطوطات موصل ص ۳۵).

۲- کشف الظنون و هدیة العارفين. نسخه پاریس و قاهره (بروکلن).

۳- نسخه آن در کتابخانه رامپور هست (فهرست رامپوری).

۴- نام این کتاب را کاتبی در آغاز «حکمة العین» (ص ۱ نسخه حاضر) «العین» آورده و در آغاز «بحر الفوائد» که در بالا گذشت آنرا «عین القواعد» نامیده است. نسخه لیدن و اسکوریال (بروکلن) و نسخه رضوی (ش ۱۶۴ منطق خطی) نوشته، ۶۸۸ق. که بکوشش آقای دکتر علی اکبر فیاض رئیس دانشکده ادبیات مشهد، فیلم آن تهیه و برای اینجانب ارسال گردید.

آغاز: قال مولانا افضل المتأخرین سلطان المحققین، نجم الملة والدين، حجة الاسلام والمسلمین، علی بن عمر بن علی الکاتبی ادام الله ایامه واسبغ علیه انعامه ؛ بعد حمده واهب الوجود والمفیض للخیر والوجود... وبعد فهذه رسالة فی المنطق حررتها بالتماس خلمس اخواني فی الدین ورفقائی فی طلب الیقین علی سبیل الاختصار، مشتمل علی ما لا بد منه فی هذا العلم، ورتبناها علی مقدمة وثلاث مقالات وخاتمة. اما المقدمة ففيها بحثان الاول؛ فی ماهية المنطق وبيان الحاجة اليه. الانسان فی مبدئه امره خال عن العلوم، لكن اذا احس بجزویات تنبه منها لمشاركات ومباينات وانتزع منها علوماً. وهي اما تصور ان ساذجة وهي حصول صور الماهیات فی العقل، او تصور معها احكام، وهي نسب تلك المعقولات...  
انجام : يكون الكل كاذباً. وليكن هذا آخر ما اردنا ايراده فی هذه الاوراق،  
والحمد لوهاب العقل بلانهاية ، والصلاة علی رسوله محمد وآله بغير عدد وآية.

- المفضل . در شرح محصل نکارش فخر رازی ، در کلام ۱ .
- المنصص . در شرح ملخص فخر رازی در منطق و فلسفه ۲ که در دوشنبه ۲۸ شعبان ۶۷۱ ق. آنرا بیابان رسانیده است. این کتاب یکی از مدارک عمده میرک بخاری در شرح حکمة العین، میباشد. برو کلمن 1G:466:1S1:845 و فهرست دانشگاه ۳:۳۷۸
- تقيض العام (رسالة فی...) . خواجه طوسی رساله ای در پاسخ این کتاب نگاشته ۳ .
- مباحثات طبی میان کاتبی و خواجه طوسی ۴ .
- مناقشات کاتبی . در رد بر خواجه طوسی در اثبات واجب الوجوده ۵ .
- اعترافنامه . پاسخی است که دبیران با اعتراضهای خواجه نگاشته و از وی سپاسگذاری نموده است. و سپس خواجه طوسی پاسخی باین اعترافنامه نگاشته است ۶

### شبهات کاتبی و پاسخهای خواجه طوسی :

دبیران کاتبی در کتابچه اثبات الواجب خویش، دلایلهای فیلسوفانرا در اثبات واجب الوجود از راه ابطال دور و تسلسل رد کرده است، و شبههائی بر آن دلیلها وارد

۱- نسخه رضوی. فهرست ۴: ۲۵۲. و نسخه اوقاف بغداد؛ الکشاف عن مخطوطات الاوقاف. ص ۱۲۲.

۲- نسخه رضوی نوشته ج ۲- ۶۹۳ ق. فهرست ۴: ۲۶ و سپهسالار ۸۳۸۱ و مجلس ۸۵۶ طباطبائی.

۳- نسخه دانشگاه اهدایی استاد مشکاة . فهرست ۳: ۲۴. ۲۳ ش ۱۰۳۵.

۴- الف : درباره بول، نسخه دانشگاه فهرست ۳: ۷۳۵ .

ب : مزهها < < < ۳: ۱۸۴ .

ج : تنفس < < < ۳: ۱۸۵ .

د : مزاج < < < <

۵- توسط آل یاسین در مجموعه ای که در صفحه ۶۱۶ باشد، ص ۳۰-۴۸ چاپ شده است.

۶- نسخه ناقص از پاسخ خواجه باعترافنامه کاتبی در کتابخانه رضوی و نسخه کامل آن در کتابخانه دانشکده معقول در تهران هست.

ساخته که بعدها به شبهات کاتبی، معروف گردیده است<sup>۱</sup>. خواجه طوسی چون این شبهات را بدید رساله‌ای در پاسخ آنها نگاشت، و چون رساله خواجه بدست دیران رسید، پاسخهای خواجه را رد کرد و بنزد خواجه گسیل داشت، و خواجه از نوبدانها پاسخ نگاشت. دیران چون پاسخهای خواجه را دید، گویا برای آنکه مبادا دچار سرنوشت این کمونه شود، يك اعترافنامه نگاشت و بنزد خواجه فرستاد. اما بآنکه خواجه پاسخی مشعر بر تنزیه و تبرئه او پس از این اعترافنامه نگاشت، باز هم شبهات کاتبی تاسده‌های پسین مورد گفتگو بود، چنانکه حزین در سده یازدهم در سرگذشت استاد خویش کمالاتی فسانی (م ۱۳۴ق) که داماد مجلسی بود، میگوید: رساله‌ای در رد شبهات کاتبی دارد: (تذکره حزین چ اصفهان ص ۳۰).

این رساله‌های کاتبی و پاسخهای خواجه بجز آخرین پاسخ خواجه باعترافنامه کاتبی ۲ بوسیله آل یاسین در دفترى در ۶۸ ص. در بغداد ۱۹۵۶ م. چاپ شد. کاتبی را درباره منطق و مسائل گوناگون پزشکی نیز بر سهائى بدست است که خواجه بدانها پاسخ گفته است، و در آثار او یاد شده. ص ۸ و ۹ و ۱۸۷ دیده شود.

### دیران کاتبی تحت تأثیر فخر رازی :

بآنکه دیران کاتبی شاگرد خواجه طوسی بشمار می‌آید، چون هم‌زمان او بوده، و از نظر مذهبی متهصب تر از وی بود، و دستگاه خلافت عباسی را بر حکومت مغل ترجیح میداد، افکار و آراء وی بیشتر تحت تأثیر فخر رازی (م ۶۰۶ ق) بود و فلاسفه را رد میکرد و گاهی از فخر نیز در این راه تندتر است. چنانکه در ص ۱۵۵ برای پذیرفتن سلسله عتول عشره، قانونهای فلسفی زیر را که

۱ - کاتبی برای اثبات واجب دلایلی تازم‌ای آورده است. اما علامه حلی درباره دلایلی قدیم و جدید گوید: وفي التحقيق لافرق بينهما. (ص ۱۰۲ س ۱۰). برای شناختن شبهات کاتبی ص ۹۷ - ۹۹ دیده شود.

۲ - نسخه‌های این پاسخ خواجه در حاشیه صفحه پیش شناخته شد.

در آن روزگار در شمار مسلمات بود، رد میکند.

- لا یصدر من الواحد الا الواحد .

- مقارنة الهيولى للمصورة.

- افتقار النفس فى التأثير الى البدن.

- المصادر الاوّل جوهر.

و تکثر عقول را نیز درص ۲۲۴-۲۲۵ رد کرده است.

کتابی در بخشبندی کتاب فلسفی خود، پیروی از ابن سینا در دانشنامه ترتیب کهن را برهم زده الهیات را در آغاز کتاب قرار داده است، در صورتیکه پیشینیان طبیعیات را بیشتر میآوردند.

برخی دیگر از آراء شییران :

- اثبات صانع را از راه ابطال تسلسل غلط می‌شمرد (ص ۹۸-۹۹).

- دلیل متکلمان، درباره مختار بودن و عالم بودن صانع، را رد میکند

(ص ۲۳۴-۲۲۹).

- درباره فضا، برهان سلمی را برای متناهی بودن فضا کافی نمی‌شمرد و آنرا

باطل میکند (ص ۱۷۴).

- او مانند خواجه طوسی برهان مسامته را نیز باطل میدانند. اما علامه ایشانرا

رد کرده است (۱۷۵ و ۱۷۶).

- کتابی در منطق نیز نظریاتی دارد؛ و از جمله در نسبتهای چهارگانه برای

نخستین بار تحقیقها کرده و کتابچه‌ای در باره نقیض عام و نسبت آن با نقیض

خاص نگاشته است.

II شرح کننده؛ علامه حلی :

جمال‌الدین ابومنصور حسن پسر یوسف پسر علی پسر مطهر حلی، از دانشمندان

۱ - ابراهیم حسینی همدانی رساله‌ای در رد برکاتیبی و اثبات این قانون فلسفی

نگاشته است. فهرست دانشگاه ۳: ۱۹۳ دیده شود.

بنام شیعه در سده هفتم و هشتم است. وی در شهر حله در ۲۹ رمضان ۶۴۸ ق بزاده و در ۲۱ محرم ۷۲۶ ق. در همانجا در گذشته است و جنازه وی را بنجف برده بخاک سپردند.

#### علامه و دولت مغل :

در آغاز سده هشتم مغولان برای پایدار کردن فرمانروائی خویش بر مسلمانان، مذهب شیعه را مناسب تر دیدند. پادشاه وقت اولیجاتو، علامه حلی را در ۷۰۷ ق بسلطانیة که بایتخت ایشان بود احضار، و آموزشگاهی بادیست شاگرد و شصت آموزگار برای وی فراهم ساخت، و آموزشگاهی گردان بنام «المدرسة السیارة» در اردوی خویش، باچادر و خرگاه، زیر نظروی قرار داد، که همراه لشکریان جابجا میگشت، پس مجلسها برپا ساخت و دانشمندان شیعه و سنی را بیعت و مناظره و اداشت، و در پایان سخنان شیعه برتر شمرد، و آن مذهب را رسمی گردانید.

#### آثار علامه :

صاحب نقدالرجال گوید علامه بیش از هفتاد تألیف نگاشته است. طریحی در ماده علم از «مجمع البحرین» گوید پانصد نگارش علامه را بخط وی دیده است؛ و از «روضه العابدین» نقل است که علامه در پیرامن هزار کتاب نگاشت. اما خود علامه در «خلاصة الاقوال» نام شصت و هفت کتاب خویش یاد کرده، و در اجازه بیکه شش سال پیش از مرگش به مهنابن سنان داده (بحار ج ۲۵ ص ۲۹-۳۰) پنجاه و دو تا از آنها را یاد کرده است. و مدرس خیابانی در «ریحانة الادب» نام یکصد و بیست کتاب او را یاد کرده است که پانزده کتاب فقهی و ده اصول در آنها است. و چون احوال علامه در بیشتر کتب رجال و تاریخ عربی و فارسی بویژه در فهرست دانشگاه ۲: ۵۱۱ و ۳: ۱۷۴۴ دیده میشود، و آثار او را در فقه و اصول بتفصیل معرفی کرده اند، من در اینجا فقط نام کتب فلسفی و منطقی و کلامی او را، باتعمین تاریخ و جای نسخه آن، تا حد امکان در زیر یاد میکنم :

#### آثار کلامی و فلسفی او :

- الابحاث المفیده فی تحصیل العقیده. که شرح ناصر بن ابراهیم بویه (۸۵۳ ق) و شرح ملاحادی سبزواری بر آن در رضوی موجود است. فهرست (۱: ۱۷ و ۱۴).

- اثبات الرجعه . در کتابخانه فاضلخان هست . (ذریعه ۱ : ۹۲) . ودانشگاه  
(فهرست ۳ : ۱۰۵۵).
- اجوبة المسائل المهنية . دورساله بدین نام دارد . (ذریعه ۵ : ۲۳۶)
- اربعون مسألة . در اصول الدین . (ذریعه ۱ : ۴۳۵) بنقل از فهرست کتابخانه  
راجه فیض آباد در هند .
- استقصاء البحث والنظر فی القضاء والقدر . برای خدا بنده نگاشته و در نجف  
چاپ شده است . و برخی آنرا «الجبر والاختیار» و «ابطال الجبر» خوانده اند .
- الاسرار الخفيه فی العلوم العقلية . آنرا بنام هارون بن شمس الدین جوینی  
(۶۸۵ق) نگاشت . نسخه آن در کتابخانه غروی هست (ذریعه ۲ : ۴۵۰) . گویا این کتاب  
مختصری بنام «الاسرار» هم دارد (ذریعه ۲ : ۳۸) و نام او درص ۱۰ و ۶۲ و ۱۱۴  
و ۲۲۲ و ۲۲۴ و ۲۵۶ و ۲۵۸ و ۳۰۳ این کتاب الاسرار آمده است .
- الاشارات در شرح اشارات ابن سینا است ، علامه سه کتاب در شرح اشارات  
ابن سینا دارد . ۱- همین کتاب ۲- ایضاح المعضلات . ۳- بسط الاشارات . (ذریعه ۲ : ۹۵) .
- الالفین الفارق بین الصدق والمین . در امامت آنرا در شهر دینور بسال ۷۰۹ق .  
نگاشته و در تهران ۱۲۹۶ چاپ شده است (ذریعه ۲ : ۲۸) .
- انوار الملکوت فی شرح الباقوت . که اصل آن تألیف ابراهیم نوبختی است در کلام .  
(ذریعه ۲ : ۴۴۵) نسخه دانشگاه . (فهرست ۳ : ۵۴۰) و مجلس ش ۸۱ و رضوی ش ۳۱
- ایضاح التلبیس یا «کشف التلبیس من کلام الرئیس» در در ابن سینا . نام آنرا  
در «خلاصة الاقوال» یاد کرده است . (ذریعه ۱ : ۴۹۳) .
- ایضاح المقاصد ( کتاب جای گفتگو) .
- تحریر الانجات فی العلوم الثلاث یک مجلد ( اجازة مهنا) .
- تسلیم النفس الی حظيرة القدس . در کلام . نسخه کتابخانه غروی نوشته  
۷۰۷ق (ذریعه ۴ : ۱۸۰) . عبد الحمید اعرجی پسر خواهر علامه ، این کتاب را پیش از  
سال ۷۰۳ق . شرح کرده است (ذریعه ۲ : ۴۹۸) .
- التعلیم التام فی الحکمة والكلام (اجازة مهنا وروضات) و در ذریعه (۴ : ۲۲۶ و

خلاصه) آنرا التعلیم الثانی آورده گوید: گویا غیر از «المقاومات» اوست که در آن حکما را رد کرده است.

- التناسب بین الفرق الاشریة والسوفسطائیة (ذریعه ۴: ۴۳۵)
- تنقیح الابحاث فی العلوم الثلاث. منطق، طبیعی، الهی. (ذریعه ۴: ۶۰)
- خلاصة الاقوال)
- الجوهر النضید فی شرح منطق التجرید. که اصل آن از خواجه است و در ۱۳۱۱ ق. با «تصور و تصدیق» ملاصدرا چاپ شده، و شرح بخش فلسفه آنرا «کشف المراد» نامیده است.
- حل المشكلات یا «کشف المشكلات من التلویحات» در شرح تلویحات شهاب سه‌روردی (۵۸۷م ق) که پیش از ۶۹۳ ق. تالیف شده و نامش در «خلاصة الاقوال» یاد شده است. ذریعه ۷: ۷۴ و فهرست دانشگاه ۳: ۴۵۶.
- خلق الاعمال. (ذریعه ۷: ۲۴۳ و امل آمل).
- الدرا امکنون فی علم القانون. در منطق.
- الرسالة السعدیة. در اصول دین. برای خواجه سعدالدین ساوجی وزیر شاه خدابنده تالیف کرده است و در مجموعه «کلمات المحققین» ص ۱-۳، در ۱۳۱۵ ق. چاپ شده است.
- القواعد الجلیة. در شرح شمسیه دبیران کاتبی. نسخه رضوی (فهرست ۱: ۴۳).
- القواعد والمقاصد یک مجلد (اجازه مهنا).
- کشف الحق و نهج الصدق. در مناظره باسید موصلی. و شاید همان نهج الحق و کشف الصدق باشد.
- کشف الخفا من الشفا. شرح شفای بوعلی ابن سینا در دو جلد (اجازه مهنا).
- کشف الفوائد فی شرح قواعد العقاید. اصل آن از خواجه طوسی است. و در تهران ۱۳۰۵ ق. چاپ سنگی شده است.
- کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، در کلام. در هند و صیدها و ایران چاپ شده است و شرح او بر بخش منطق تجرید «الجوهر النضید» نام دارد.
- المحاکمات بین شراح الاشارات. در سه جلد (اجازه مهنا).
- مرصد التدقیق و مقاصد التحقیق. در منطق، طبیعی، الهی. نسخه منطق در دانشگاه ش ۲۳۰۱ و نسخه الهی نزد فخرالدین نصیری. ش ۲۲۶ موجود است

- معارج الفهم فی شرح النظم تالیف ۶ رمضای ۶۷۸ ق. اصل آن «نظم البراهین» نیز از خود علامه است. نسخه شرح. نسخ ۷۱۶ ق در سپهسالار ش ۸۳۰۱ هست.
- معتقد الواصلین یک جلد (اجازة مهنا)
- مقاو مات. در رد بر حکما و فلاسفه (ذریعه ۴: ۲۲۶) و در کتاب حاضر (ص ۳۰۷) بدان حوالت داده است ۱
- مقصد الواصلین در اصول دین. و شاید همان نظم البراهین
- المناهج السویة (الذریعه) که گویا همان مناهج الیقین است.
- مناهج الیقین. در اصول دین. و یا منہج الیقین، باختلاف نسخه های خلاصه الاقول «نسخه اردو بادی در نجف و سماوی نیز در نجف، دارای ده هزار بیت است (ذریعه) امدار ص ۲۹ و ۲۲۹ این کتاب، آنرا «مناهج» نامیده است.
- منتهی الوصول الی علمی الکلام والاصول. (کشف الحجب).
- منہاج الکرامه در امامت. برای شاه خدا بنده نگاشته و در تهران ۱۲۹۶ ق. چاپ شده است. نسخه ناقص از ترجمه فارسی این کتاب در (سپهسالار ۶۴۵۶) و (دانشگاه ش ۲۶۰۹) دیده میشود. چلمبی و ابن کثیر این کتاب را «منہاج الاستقامه» خوانده اند و این تیمه بر آن رد نگاشته است و «الانصاف» دری است که بر این رد این تیمه نوشته شده است (فهرست رضوی ۴: ۳۲).
- منہاج الهدایة. یا منہاج السلامة. در کلام. و شاید همان منہاج الکرامه باشد.
- نظم البراهین فی اصول الدین. (خلاصه الاقول) و شرح آن در بالا گذشت.
- نہایة المرام فی علم الکلام. در چهار جلد. (اجازة مهنا)
- نہج الحق و کشف الصدق. که روز بهان آنرا رد کرده است. (فهرست دانشگاه ۳: ۵۴۱ و ۶۲۰ و ۶۳۵).
- نہج العرفان فی علم المیزان.
- نہج المسترشدين فی اصول الدین. مقدمه سیموری آنرا شرح کرده و در هند چاپ شده است.
- النور المشرق فی المنطق (اجازة مهنا).
- واجب الاعتقاد این کتاب با شرح آن بقال اقول، در «کلمات المحققین» ص ۴۴-۸۶،
- ۱- نام این کتاب در نسخه حاضر بقلط «مقامات» چاپ شده است.

در ۱۳۱۵ ق چاپ شده است .

#### علامه و فلسفه :

وی در دیباچه «منتهی الوصول الی علم الاصول» گوید : در بیست و شش سالگی به نگارشهای فلسفی خویش پایان دادم و بنگارش اصول و فقه پرداختم، ولیکن چون تاریخ نگارش چندین کتاب کلامی او پس از ۷۰۰ ق. می باشد ، باید گفت مقصود او کتب عقلی خالص است نه کتب کلامی و اصول دین.

علامه در کتاب حاضر بوسعت اطلاع خویش در فلسفه میباید ، چنانکه در ص ۲۷۵ گوید : «و هکذا یجب ان یحقق» و بکتب عقلی خود (در ص ۱۳۳) و بکتب کلامی خود در ص ۲۲ حواله میدهد . و مکرر باستان : خویش ؛ کاتبی مؤلف اصل جمله کرده است ، چنانکه در ص ۵۰ او را از اتباع فخر رازی که «لایحقیقون شیئا» شمرده است . و در ص ۱۶۵ بتناقض گوئی کاتبی اشارت کرده ؛ که در ص ۵۵ وحدت را امری وجودی شمرده ، و در ص ۱۶۵ بآن اعتراض کرده است .

#### علامه و دوشرب فلسفی و کلامی :

- مذهب شیعه و مشرب اعتزال تا نیمه قرن هفتم مانند مهاری برای افسار - گسیختگی خلفا و عوامل مذهبی ایشان یعنی اشعریان و ظاهریان بود، و همچون عامل محرکی برای بیدار کردن خفتگان بشمار میرفت ، و اگر فلسفه و کلام را در دو قطب مخالف قرار دهیم . می بینیم که شیعیان همواره بسمت فلسفه و سنیان اشعری بطرف مخالف میگردانیده اند حمله اهل سنت ب فلسفه را غزالی و فخر رازی در تألیفات خویش بحد اعلی رسانیدند ، و مثل عالی دفاع شیعه از فلسفه را میتوان در تألیفات خواجه طوسی نشان داد .

بیدارست که ضدیت سنیان با فلسفه ، متکی بدستگاه دولتی وقت ، و برده داران و زمین داران بزرگ بوده است ، و بعکس ؛ دفاع معتزله و شیعه از فلسفه ، دارای دوهدف اساسی بود :

اولاً : ضدیت بادستگاه ناحق و غاصب و مبارزه بابی عدالتیها .

ثانیاً : بیدار کردن مردم ، و پاره کردن تاروپود افکاری که بوسیله دولت و بنام مذهب سنت و جماعت ، مانند تار عنکبوت بر مغزها تنیده بود .

اما تألیفات علامه حلی در روزگاری نگاشته شده است که حکومت مغل مذهب شیعه را رسمیت داده، و لهذا این تألیفات، هدفی اول خویش را از دست داده و فقط برای کشانیدن سنیان بطرف مذهب حق تهیه شده است. و به همین سبب است که آراء علامه قاطعیت افکار خواجه و ابن سینا را ندارد. او گاهی از فلاسفه و گاهی از متکلمان دفاع میکند. او میخواهد مذهب حق را نه بامشرب فلسفی بلکه بامشرب کلامی اثبات کند، و از این روی بیشتر تشکیکهای متکلمان را بر قوانین فلسفی تکرار کرده، و گاهی کاتبی سنی را که تحت تأثیر افکار خواجه قرار میگردد و بنفع فلاسفه رأی میدهد، رد کرده است.<sup>۱</sup> و در همین حال گاهی در محاکمه میان آراء خواجه و فخر رازی، گفته‌های خواجه را ترجیح میدهد.<sup>۲</sup> و گاهی از فلاسفه بنام «الاول»<sup>۳</sup> یاد کند و از نظر آنان دفاع میکند،<sup>۴</sup> و این درجائست که از نظر آنها بهتر بتواند برای عقیده مذهبی خویش استدلال کند.

#### برخی دیگر از آراء علامه:

هنگامی که میان خواجه طوسی و ابن سینا دربارهٔ تعریف «ملك» اختلاف است، علامه طرف استاد خویش، خواجه را گرفته، ابن سینا را رد میکند. ص ۱۶۲.

- هنگام شمارش مقولات عرضی قول، به چهار بودن را: حرکت، نسبت، کم، کیف، میپذیرد. ص ۱۶۳-۱۶۴.

- ۱- در ص ۷۹-۸۰ بنفع فخر، کاتبی را رد میکند. و در ص ۸۱ بکم فخر رازی ابن سینا را رد میکند و دلیل نقضی فخر را بدلیل حلی علیه ابن سینا تبدیل میکند.
  - ۲- در ص ۵۰ گفتهٔ خواجه را که: «ان فخر الدین و اتباعه كانوا لا یحقة قون شیئا» تأیید میکند.
  - ۳- در این کتاب همه جا کلمه «اول» بجای «فلاسفه» بکار رفته، و مؤلف در برابر آن «متکلمین» را بکار برده است. و گاهی از ابن سینا و گاهی از آن دفاع کرده است.
  - ۴- کاتبی دلیل فلاسفه را بر ارادی بودن حرکت افلاک رد کرده است. اما علامه که نمی‌خواهد قائل بطبیعی بودن حرکت افلاک (و خود کار بودن آنها) باشد، گفتهٔ فلاسفه را تأیید کرده است. ص ۱۵۲ س ۴.
- و نیز در ص ۲۳۵ که دیران کاتبی تکثیر عقول را به پیروی از متکلمان رد کرده است، علامه از آراء فلاسفه دفاع میکند.

- صحت تناسخ را محتمل می‌شمرد (ص ۲۴۶).  
 - درباره حرکت در اجناس عالیه، حرکت در جوهر را می‌پذیرد، و دلیل امتناع حرکت جوهری را رد میکند و میرک بخاری دز شرح خود این سخن علامه را پاسخ می‌گوید. البته گفته علامه بتفصیل گفتار ملاصدرا درین باره نمی‌رسد (ص ۲۸۳-۲۸۴) دیده شود.

- کاتبی متکلمان را در قول بجزء لایتنجری رد کرده. و علامه، کاتبی و ابن سینا را بطرفداری از متکلمان رد میکنند. (ص ۲۵۴-۲۵۶).

- کاتبی ابن سینارا در قول بسکون در میان دو حرکت (رفتن بیالوا و بازگشت بیاین) رد میکند و علامه ابن سینارا تأیید کرده است (ص ۲۹۲).

- تقدم اجزاء حرکت را بر یکدیگر مانند تقدم اجزاء زمان، می‌داند. اما میرک بخاری علامه را رد میکند (ص ۳۰۰).

- خواجه طوسی برهان قدیم سکون کره زمین را نیز باطل کرده و برهان جدید آورده است. علامه برهان جدید خواجه را باطل کرده است. (ص ۳۴۲-۳۴۳).

#### فلسفه در خدمت مذهب یا شیوه متکلمان :

گرچه همیشه یکی از عوامل پیشرفت بشریت اعتقادات مذهبی و مترقی او بوده است، اما در برخی موارد معتقدات خرافی نیز موجب عقب‌افتادگی او را فراهم می‌آورده است. و همواره بشر کوشیده است تا معتقدات خود را، اعم از درست و نادرست، بادلایل و برهان ثابت کند و درین راه علم و فلسفه را استخدام کرده است.

علامه نیز در این کتاب مانند همه گذشتگان رفتار کرده است، چنانکه در ص ۱۰۱-۱۰۲ این کتاب گوید: درستی و نادرستی برهان تسلسل برای ما هدف نیست، بلکه وسیله اثبات واجب است، پس اگر ما دلیل دیگر برای آن داشته باشیم، با تسلسل کاری نداریم. و در ص ۲۱۹ اثبات واجب را جزء اعظم این فن شمرده است.

علامه مانند همه متکلمان، در همه جای این کتاب با ایجاد تشکیک در مسائلی که موضوع علمی روز بشمار بوده است، می‌خواهد در قطعیت قوانین علمی روزگار

خویش شك وارد سازد، چنانکه درص ۳۱۳ چندقاعده از علم هیئت بطلمیوس را رد میکنند.

برخی از تشکیکهای علامه و افکار کلامی او :

- درباره وجود ذهنی میگوید خود وجود ذهنی آشکارتر از دلیلهائی است که فلاسفه برای اثبات آن آورده اند. (ص ۶-۹-۱۰). اما باید دانست که علامه وجود ذهنی را همهچون يك درجه از وجودشی، بلکه آنرا تصویر و شبه آن می شمارد (ص ۱۷).

- او میگوید اجتماع ضدین همانگونه که در خارج باطل است در ذهن نیز این اجتماع غیرممکن است (ص ۱۷).

- به پیروی از فخر رازی به ناآفریده بودن ماهیت اعتراض کرده، میگوید : از دلیلهای فلاسفه ناآفریده بودن وجود نیز لازم آید. (ص ۳۳).

- وحدت را امر ذهنی می شمارد نه عینی. (ص ۵۵).

- وجوب معلول ممکن را هنگام وجوب علت آن، صحیح نمیداند. (ص ۸۵ س ۱۳ و ۱۵۵ و ۲۲۲).

- وجود ماده و مدت قدیم را پیش از حادث ممکن، باطل می شمارد. (ص ۹۱-۹۲ و ص ۳۳).

- اصل «از يك چیز جز يك چیز نیاید» را رد میکند (ص ۱۱۳-۱۱۶).

-- اصل «يك چیز نمیتواند از يك جهت هم فاعل و هم منفعّل باشد» را رد میکند.

(ص ۱۱۵-۱۱۶).

- کلیات معقوله را نه جواهر بلکه اعراض می شمارد. (ص ۱۲۶ س ۴).

- وجود عقول و سلسله آنها را مثل کاتبی رد میکند. (ص ۱۵۵).

- بقاء نفس را مانند کاتبی و برخلاف قول حکیمین رد میکند. (ص ۲۳۹).

نمونه ای که از تشکیکهای علامه و کاتبی در بالا یاد شد نشان میدهد که از سده هفتم به بعد مخصوصاً پس از خواجه طوسی ابتکار فلسفی منتفی گردیده، و فلاسفه مانند

# کتاب قواعد الاحکام

في حقه المذاهب الفقهية  
من حنفية المالكية والشافعية والحنبلية  
المشقة من مذهب الإمام أحمد بن حنبل  
المتأخرين في القرنين الثالث والرابع  
هـ من تأليف العلامة الفاضل  
سيد ابراهيم دشتكي

سوال اول در احکام استیذان و استیجاب  
استیذان در نماز واجب است و در غیر آن  
مستحب است و در نماز واجب است  
استیجاب در نماز واجب است و در غیر آن  
مستحب است و در نماز واجب است  
استیذان در نماز واجب است و در غیر آن  
مستحب است و در نماز واجب است  
استیجاب در نماز واجب است و در غیر آن  
مستحب است و در نماز واجب است  
استیذان در نماز واجب است و در غیر آن  
مستحب است و در نماز واجب است  
استیجاب در نماز واجب است و در غیر آن  
مستحب است و در نماز واجب است



يك نمونه از خط علامه حلی (شارح) اجازه نیست که برای سید ابراهیم دشتکی جد سید علیخان مدنی دو ج ۱ - سال ۱۳۲۴ ق. در پشت « قواعد الاحکام » نوشته است و بشماره ۷۰۴ در کتابخانه دانشگاه موجود است (فهرست ۳: ۱۹۷۳).

مورخین بنقل یکی از دیگری اکتفا کرده‌اند، و اختلاف آنها فقط در جزئیات است که قابل بحث نمی‌باشد<sup>۱</sup>، و در این موارد نیز ادله طرفین بقدری سست است که برای مطالعه‌کننده حاصلی جز اطلاع از بوجی مدعای هر دو طرف دربر نداشت. و برای آنکه کمتر کسانی دچار این گونه فکرها شوند، اصولاً از مطالعه کتب فلسفی جلوگیری شدید بعمل آمد، و مطالعه آنها محکوم، و مطالعه‌کنندگان مطرود گشتند.

---

۱ - حد فاصل غیر قابل عبور و نفوذ، میان ممکن و ممتنع، مانند چهار چوبی افکار دانشمندان را مهار زده بود و جرئت تجاوز بدان را از ایشان سلب میکرد. علامه در (ص ۲۲) گوید: «انا نعلم عدم قدرتنا علی الحركة الی السماء...» پیدا است که با این گونه تلقینات هیچگونه دورنمایی برای تصور خلاف این افکار وجود نداشت.